

روسیہ

سرشناسه: فیدر، کیم براون، ۱۹۵۶ – م
عنوان و پدیدآور: روسیه / کیم براون فادر؛ ترجمه مهسا خلیلی.
مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۸۵.
مشخصات ظاهري: ۱۸۴ ص: مصور، نقشه.
فروش: مجموعه ملل امروز؛ ۱۱.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۱۱-۷۰۵-۴.
یادداشت: فیبا.
یادداشت: عنوان اصلی: *Russia*
یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۷۷ – ۱۸۰.
یادداشت: نمایه.
موضوع: روسیه – تاریخ.
موضوع: روسیه شوروی – تاریخ.
شناسه افزوده: خلیلی، مهسا، ۱۳۵۷ – ، مترجم.
رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۵ ۱۳۸۵ ف ۴۱ DK
رده‌بندی دیوبی: ۹۴۷
شماره کتابخانه ملی: ۴۴۰۰۹-۸۵

روسیه

کیم براون فادر

ترجمه مهسا خلیلی



این کتاب ترجمه‌ای است از:

Russia

Kim Brown Fader

Lucent Books, 1998



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،
شماره ۱۱۱، تلفن ۰۶۰۸۶۴۰

* * *

کیم براون فادر
مجموعه ملل امروز

روسیه

ترجمه مهسا خلیلی

چاپ سوم

نسخه ۸۰۰

پاییز ۱۳۹۳

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۰-۳۱۱-۷۰۵-۹۶۴-۹۷۸

ISBN: 978 - 964 - 311 - 705 - 4

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

فهرست

v	مقدمه
۱۱	۱. روسیه اولیه: سرزمین اسلاموها
۳۵	۲. جلوه‌ای از امپراتوری
۶۱	۳. دیدگاه کمونیستی
۸۹	۴. روسیه جدید
۱۱۱	۵. هنر و سنت: آمیزش گذشته و امروز
۱۳۵	۶. روسیه در جامعه جهانی
۱۵۷	اطلاعاتی در باره روسیه
۱۶۳	گاهشمار
۱۷۱	یادداشت‌ها
۱۷۵	منابعی برای مطالعه بیشتر
	منابعی که در نگارش این کتاب مورد استفاده قرار گرفته است
۱۷۷	نمایه
۱۸۱	

مقدمه

درک موقعیت روسیه

توصیف کشوری به گستردگی فدراسیون روسیه چندان آسان نیست. وسعت این کشور که از شرق اروپا تا شمال آسیا گسترش یافته، در تصور نمی‌گنجد. هنگامی که خورشید در کالینینگراد، بخش کوچک و جدا افتاده از خاک روسیه که میان لهستان و لیتوانی قرار گرفته، غروب می‌کند روز دیگری در ولادیوستک نقطه پایانی خط آهن سراسری سبیری واقع در ساحل ژاپن آغاز می‌شود. از مسکو پایتخت روسیه تا هر یک از مرزهای این کشور به اندازه یک روز رانندگی راه است. به این مقایسه حیرت‌انگیز توجه کنید: وسعت ناحیه جغرافیایی که با نام سبیری مشهور است و از کوههای اورال تا ساحل اقیانوس آرام امتداد یافته از وسعت سطح روشن ماه بیشتر است.

موانع طبیعی، گستره وسیع روسیه را به شدت آشفته کرده‌اند. بالا رفتن از کوههای اورال که تنها در برخی نقاط ارتفاعی بیش از نهصد متر دارند، آسان است. امواج جمعیت سراسر دشت‌های وسیعی را که با عنوان استپ‌های روسیه شناخته شده‌اند، در نور دیده‌اند. هنگامی که مردم در غرب کوههای اورال روسیه ساکن شدند، سکونت در نواحی شرق و جنوب رانیز به عنوان مهم‌ترین آرزوی خود در نظر گرفتند.

تاریخ منحصر به فرد و پیچیده

روسیه، چه در بخش آسیایی و چه در بخش اروپایی دارای پیوندهای محکمی با تاریخ و فرهنگ اروپاست. اما تاریخ روسیه از جهات مهمی با تاریخ اروپا تفاوت دارد. روسیه هیچ‌گاه بخشی از امپراتوری روم نبود و نیز هیچ‌گاه گذار فرهنگ از دوران باستان را که ملل اروپای غربی را شکل بخشید تجربه نکرد. اروپا هیچ‌گاه به تسخیر مهاجمان مغول درنیامد. سلطه شدید آنان بر روسیه به مدت بیش از دو قرن به معنای دور افتادن روسیه از پیشرفت‌های علمی و فرهنگی عظیم دوره رنسانس بود. در سال‌هایی که انگلستان شاهد سلطنت ملکه الیزابت اول و اجرای نمایشنامه‌های فوق العاده شکسپیر بود، روسیه در زیر سلطه حکومت استبدادی و سرانجام ویرانگر ایوان مخوف دست و پا می‌زد. پتر کبیر نخستین حاکم روسیه بود که تمایلاتی در جهت غربی ساختن و مدرنیزه کردن کشورش داشت و اصلاحات خاص او دورانی تازه در تاریخ روسیه را آغاز کرد. با وجود این، روسیه در قرن‌های هجدهم و نوزدهم بسیار عقب‌مانده بود، اکثریت قریب به اتفاق جمعیت روسیه در این دوران بی‌سواد بودند و حکومت نیز اهمیتی به نوآوری‌های افراد نمی‌داد.

منظراتی عادی از روسیه قرن هجدهم که کاخ کلیساي جامع مسکو را به نمایش می‌گذارد. در قرن‌های هجدهم و نوزدهم روسیه در مقایسه با پیشرفت‌هایی که در دیگر کشورها صورت گرفته بود، کشوری عقب‌مانده به شمار می‌رفت.



قرن بیستم شاهد دگرگونی‌هایی اساسی در روسیه بود. در این قرن روسیه به عنوان قدرتی جهانی به رقیب ایالات متحده آمریکا تبدیل شد. گرچه در دوران حکومت کمونیستی دستاوردهای تکنولوژیکی و اقتصادی به دست آمد، که تداعی‌کننده زندگی بهتر برای همه مردم بود، اما نظام کمونیستی نیز همچون حکومت‌های مستبد پیش از خود عمل می‌کرد. شمار اندک مرگ و میر در کشوری به وسعت اتحاد جماهیر شوروی سوسيالیستی یکی از حیرت‌انگیزترین پیشرفت‌های دوران معاصر است. فدراسیون روسیه جدید با چالش‌های تازه‌ای روپرتوست. کنترل تسلیحات، نگهداری از مواد هسته‌ای و گسترش نهادهای قانونی و اقتصادی به منظور حفظ جامعه تازه سازمان یافته و اقتصاد روسیه برخی از مسائل مهم این کشور در قرن بیست و یکم به شمار می‌روند.

روسیه اولیه: سرزمین اسلاموها

بخش گسترده‌ای از سرزمین روسیه را، از دریای سیاه تا جنوب شرقی سیبری، زمین‌هایی با خاک سست، نرم و بسیار تیره رنگ فراگرفته است. این خاک حتی در عمق نیم متری نیز به لحاظ برخورداری از گیاخاک بسیار غنی است. این عمق پیش از عمقی است که گاوآهن می‌تواند شخم بزند. گرچه زمستان در این نواحی سخت و تابستان کوتاه است و گاهی به خشکسالی می‌انجامد، اما غلات قرن‌ها در این سرزمین‌ها رشد کرده‌اند. اگر نخستین گروه‌هایی از مردم که در این «سرزمین با خاک سیاه» ساکن شدند، به حال خود رها می‌شدند، تاریخ روسیه با آنچه امروز است کاملاً تفاوت می‌یافتد. اما کشاورزان بومی منطقه برای دفاع از خود هیچ وسیله‌ای در اختیار نداشتند. قبایل چادرنشین و مهاجمان نیرومند، که موطن بسیاری از آنان قلب آسیا بود، سراسر استپ و دشت‌ها را درنوردیدند، و آماده بودند که مرتع بی‌کران و پربار منطقه را متعلق به خود بدانند.

نخستین فرهنگ‌های چادرنشینی

اسکیت‌ها^۱ (سکاها) که مردمانی چادرنشین و به همراه گله‌های اسب و گاو خود در حرکت بودند، از قرن نهم تا قرن سوم پیش از میلاد بر ناحیه گسترده و هلالی شکل حوزه دریای سیاه که از رود دانوب تا کوهستان‌های قفقاز گسترش داشت، حکومت می‌کردند. حکومت آنان

یکی از چندین امپراتوری درازمدت چادرنشینان بر این سرزمین بود، که هر یک با ورود قدرتمدانه سلطه‌گری دیگر از میان می‌رفتند. اسکیت‌ها که مردمانی از نژاد هند و اروپایی بودند از استپ‌های آسیا به این سرزمین مهاجرت کردند. آنان به یکی از شاخه‌های زبان‌های ایرانی تکلم می‌کردند و به قبایل یا ایالات بسیاری تقسیم شده بودند، این قبایل زیر لوای حکومت پادشاه تمامی قبایل قرار داشتند. هرودوت مورخ یونانی در قرن پنجم پیش از میلاد مسیح در سفرهای خود با این مردم ملاقات کرد و تحت تأثیر برتری آنان بر دشمنانشان قرار گرفت: «آنان نه شهری داشتند و نه دژهای نظامی و خانه‌های خود را هر کجا که می‌رفتند به همراه خود می‌بردند. همه آنان عادت کرده بودند تا به هنگام سواری تیراندازی کنند. آنان زندگی خود را نه از راه کشاورزی بلکه از راه دامداری می‌گذراندند. اربابهایشان تنها خانه‌هایی بود که در اختیار داشتند. آنان چگونه می‌توانستند تسخیرناپذیر و شکستناپذیر نباشند؟»^(۱) اسکیت‌ها از زین (که یونانیان و رومیان از آن برخوردار نبودند) استفاده می‌کردند. شیر مادیان می‌نوشیدند و گوشت را آب پز می‌خوردند. در جنگ‌ها بی‌رحم و انتقامجویانی وحشی صفت بودند. مشهور بود که آنان پوست سر دشمنانشان را می‌کنند و جمجمه و پوست آنان را به اهتزاز درمی‌آورند.

اسکیت‌ها با وجود توحش و شیوه زندگی چادرنشینی خود مظاهر زیبای تمدن را نیز می‌ستودند. دارایی‌های گرانقیمت آنان از جمله جواهرات، اسلحه، فنجان‌ها و کاسه‌ها که از طلا یا نقره ساخته شده یا با طلا و نقره زینت یافته‌اند، از گورتیپه‌ها و گورهای آنان کشف شده‌اند. ارتفاع برخی از گورتیپه‌ها به بیست متر می‌رسد، که نشانگر عبور این مردم از استپ است. میراث آنان نشانگر ارتباط آنان با دیگر فرهنگ‌ها به ویژه فرهنگ یونان است که در ساحل دریای سیاه مهاجرنشین‌هایی تأسیس کرده بود. برخی از مورخان معتقدند که پایه و اساس هنر بومی روسیه، که

سوژه‌هایی همچون گاو، گوزن، بز، خرس و پرنده را در بر می‌گیرد به این دوران بازمی‌گردد.

در میانه قرن دوم پیش از میلاد، امپراتوری اسکیت‌ها متلاشی شد و زمام امور به دست سرمات‌ها افتاد. سرمات‌ها نیز همچون اسکیت‌ها از آسیا آمده بودند و به زبان ایرانی سخن می‌گفتند. آنان تا حدود سال دویست میلادی در استپ در حرکت بودند. سران سرمات ثروت زیادی گرد آورده بودند و ارتباط میان ساکنان استپ و مهاجرنشین‌های یونانی (و بعدها رومی) واقع در دریای سیاه را تقویت کردند. زره‌های سنگین، دیوارنگاره‌ها و میناکاری‌های پر از جواهر و زیورآلات طلای آنان نیز از گورستان‌های شبه جزیره کریمه، واقع در اوکراین که دریای آзов را از دریای سیاه جدا می‌کند، یافت شده است.

اسلاموها

در دوران حکومت سرمات‌ها نام قبیله تازه دیگری در منابع تاریخی به چشم می‌خورد. پلینی و تاکیتوس، مورخان رومی، این قبیله را «وندی»^۱ نامیده‌اند، ژرمن‌ها آنان را «وند»^۲ می‌نامیدند. تاکیتوس در کتاب مشهور خود که در سال ۹۸ میلادی در مورد آلمان نگاشته قبیله وندی را چنین توصیف می‌کند: «آنان دارای منازل ثابت هستند، با خود سپر حمل می‌کنند و از به کارگیری پاهای خود خشنودند همه ویژگی‌های آنان با ویژگی‌های سرمات‌ها که در ارابه و بر پشت اسب زندگی می‌کنند متفاوت است». ^(۳) یوردانیس مورخ گوتیک قرن ششم نام قبایل اسلاموها را چنین می‌شمرد: اسکلاونی، ^۴ آنتس ^۵ و اسپالی. ^۶ اکنون همه این امر را پذیرفته‌اند که این‌ها اسامی قبایل اسلامو بوده‌اند. قبایل منفرد اسلامو و طایفه‌های آن با نام‌های گوناگون دیگری شناخته می‌شدند که بسیاری از این نام‌ها ناشناخته باقی مانده‌اند.

1. Vendī

2. Wend

3. Sclaveni

4. Antes

5. Spali



اسلاوهای در اصل در شمال غربی کوههای کارپات^۱ و در نزدیکی رودهای ویستولا^۲ (واقع در لهستان کنونی)، پریپت^۳ (واقع در جنوب بلاروس و اوکراین)، دنیستر^۴ (واقع در اوکراین) و دُن^۵ (واقع در روسیه) زندگی می‌کرده‌اند. قدیمی‌ترین نام‌های مکان‌ها در این ناحیه نام‌هایی کاملاً اسلاوی هستند؛ در خارج این ناحیه نیز قدیمی‌ترین نام‌ها از آمیزه‌ای از زبان‌ها سرچشمه گرفته‌اند.

اطلاعات درباره اسلاوهای باستان چندان دقیق و کافی نیست، این اطلاعات بیشتر از منابع زبان‌شناسی و کاوش‌های باستان‌شناسی به دست آمده است. اسلاوهای باستان از نظر نژادی و سیاسی یکپارچه نبودند، اما به زبانی مشترک سخن می‌گفتند. آنان به تدریج به سوی

1. Carpathian

2. Vistula

3. Pripyat

4. Dniester

5. Don

سرزمین‌های لیتوانی و فنلاند، و به سوی جنوب غرب، از بالتیک تا دریای سیاه پراکنده شدند. اما در دوران باستان اسلاموها جزئی ناچیز از کلی نآرام بودند.

آشوب‌های قومی

امواج عظیم مهاجران و مهاجمان از استپ‌های جنوب روسیه، بلاروس و اوکراین می‌گذشتند. هر یک از آنان بر ساکنان استپ همچون اسلاموها سلطه می‌یافتند. در سال دویست میلادی قبایل گوت^۱ و ژرمون^۲ از ناحیه دریای بالتیک به سوی دریای سیاه پیشروی کردند و سرمت‌ها را شکست دادند و مهاجرنشین‌های رومی واقع در ساحل شمالی دریای سیاه را ویران ساختند. در سال چهارصد آنان بیشتر قبایل اسلامو را تحت سلطه خود درآورده بودند.

اما در اواسط قرن پنجم گوت‌ها به دلیل تهدید و هجوم قوم هون^۳ به سوی غرب عقب‌نشینی کردند. هون‌ها چادرنشینانی با تسليحات بسیار بودند که از استپ مهاجرت کرده بودند و آشوب‌های قومی در مرکز اوراسیا^۴ پیشروی آنان را تسریع بخشیده بود. در سال ۴۵۰ هون‌ها بر سرزمین میان رودهای ولگا و دانوب تسلط یافتند، سپس به فرماندهی رهبر خود آتیلا رو به جنوب و به سوی فرانسه و ایتالیا هجوم بردنند. بیشتر اسلاموها زیر سلطه هون‌ها بودند. اما امپراتوری هون‌ها به سرعت از هم فرو پاشید، و قبایل ژرمون به سوی بریتانیا و فرانسه حرکت کردند. اسلاموها از این پس آزاد بودند تا سکونتگاه‌های خود را به سوی سرزمین‌های حاشیه رودخانه‌های البه^۵ و دانوب و سراسر خاک آلمان گسترش دهند. سرانجام این گروه‌های اسلامو که به غرب مهاجرت کرده بودند با نام‌های لهستانی‌ها، چک‌ها و اسلواک‌ها مشهور شدند. ادامه

1. Goths

2. German

3. Huns

4. Eurasia

5. Elbe

استپ و «خاک سیاه»

استپ‌ها یا مراتع روسیه در شکل بخشیدن به زندگی ساکنان اولیه آن نقش بسیار چشمگیری داشتند. کشاورزان ابتدایی و چادرنشینانی که با گله‌های خود به این سرزمین آمده بودند در استپ‌ها که در آغاز با گیاهان بلند پوشیده شده بود، ساکن شدند. برگ‌های گیاهان خاک استپ‌ها را که در روسیه به عنوان خاک سیاه یا چرنوzem^۱ مشهور است تغذیه می‌کردند. خاک سیاه حاصلخیز با انباشت درازمدت گیاهان پدید آمده است. حاصلخیزی خاک سیاه که از بافت خوبی برخوردار و به لحاظ برخورداری از آهک بسیار غنی است، به دلیل وجود تعداد بی‌شماری کرم خاکی و دیگر جانوران ساکن در خاک افزایش می‌یابد.

استپ که تنها به دلیل برخورداری از خاک غنی خود مشهور نبود، پیش از انجام کشاورزی در آن سرزمینی با زیبایی‌های فراوان بود. نیکلای گوگول نویسنده قرن نوزدهم که بخشی از استپ را مشاهده کرده بود، این سرزمین را این گونه توصیف می‌کند: «چیزی زیباتر از این سرزمین در جهان وجود ندارد: سطح قابل مشاهده زمین همچون اقیانوسی با رنگ‌های طلایی و سبز به نظر می‌رسد که کف‌های چند رنگ امواج این اقیانوس را بالا و پایین می‌برند.»

منطقه خاک سیاه یک‌چهارم از روسیه اروپایی را در بر می‌گیرد، این سرزمین به وسعت خاک فرانسه است، و از رومانی تا کوه‌های اورال و از جنوب تا کوه‌های کریمه و فقفاژ امتداد یافته است. وسیع‌ترین بخش این ناحیه در دره رود دن قرار دارد که عرض آن هزار کیلومتر است.

گرچه اسلاموها کوشیدند تا این سرزمین را به تصرف خود درآورند و در آن جا به کشاورزی مشغول شوند اما حملات پی‌درپی اقوام چادرنشین آنان را مجبور می‌ساخت تا به سوی نواحی جنگلی عقب‌نشینی کنند.

فشار از سوی آوارها^۲ در سال ۵۵۰ موجب عقب‌نشینی قبایل اسلامو ساکن در جنوب به سوی یونان شد. در این سرزمین اسلاموها به همسایگان متخاصم امپراتوری بیزانس یا روم شرقی تبدیل شدند. در قرن هفتم اسلاموها برای همیشه در شبه جزیره بالکان ساکن شدند و صرب‌ها، کروات‌ها و اسلوونی‌های امروزی از اعقاب آن‌ها هستند.

قبایل اسلاو شرقی در قرن ششم سرزمین‌های خود را به سوی جنگل‌های شمال روسیه اروپایی گسترش دادند. گاهی اوقات این گسترش قلمرو به بهای جنگ با فنلاندی‌ها و لیتوانی‌هایی که اغلب در این نواحی ساکن بودند تمام می‌شد. اسلاوهای شرقی گروه‌هایی هستند که امروزه به روس‌ها، اوکراینی‌ها و بلاروسی‌ها تقسیم شده‌اند.

سکونتگاه‌های اولیه اسلاوهای شرقی به صورتی پراکنده جمعیت را



آتیلا رهبر قوم هون. در سال ۴۵۰ میلادی بیشتر اسلاوها تحت سلطه قوم هون قرار داشتند اما امپراتوری هون‌ها به سرعت از هم فرو پاشید.

در خود جای می‌دادند و تنها گروه‌های خویشاوند را در بر می‌گرفتند. مردم در خانه‌هایی چوبی با دیوارهای کوتاه و سقف‌هایی که نسبت به سطح زمین تنها چند پا ارتفاع داشت زندگی می‌کردند. آنان با قطع درختان و نیز سوزاندن آن‌ها، زمین‌هایی برای کشت غلات و سبزیجات برای رفع نیازهای اساسی خود به دست می‌آوردند. اما خاک جنگل به سرعت فقیر می‌شد و آن‌ها مجبور بودند مهاجرت کنند و بار دیگر این فرایند دشوار را تکرار کنند.

پادشاهی خزر

تجارت ابتدایی میان جنگل‌نشینان و ساکنان استپ گسترش یافت. گرچه این نوع از تجارت به دلیل بروز کشمکش‌ها اغلب از میان می‌رفت. در یک دوره زمانی خزرها بر تجارت تسلط داشتند. قوم خزر از اقوام ترک بود که در قرن ششم در سواحل دریای خزر ساکن شد و به سرعت بر بیشتر بخش‌های شمال کوه‌های قفقاز تسلط یافت. در سال ۶۵۰ خزرها حاکمان سرزمین‌های شمال دریای سیاه تا سکونتگاه‌های فنلاندی‌ها و اسلاموها در شمال رودخانه ولگا بودند. آنان پایتخت خود ایتیل^۱ را در مصب رود ولگا در نزدیکی جایی ساختند که امروز شهر آسٹراخان^۲ قرار دارد. گرچه خزرها در اصل طایفه‌ای کوچ رو بودند که بر اقوام کشاورز حکم‌فرمایی می‌کردند، اما آنان سرانجام بیش‌تر یکجانشین شدند و در سرزمین‌های اطراف شهرها در استپ به کشاورزی مشغول شدند. بر اساس توصیف نویسنده‌ای عرب شهر ایتیل: «باغ‌های بسیار دارد. می‌گویند این باغ‌ها چهل هزار تاکستان را در بر می‌گیرند.»^(۳) اما خزرها بیش‌تر به این مشهورند که از موقعیت خود در مرکز استپ بهره کافی می‌برند و شبکه بازرگانی انواع کالاهای را پدید آورده‌اند. تأمین امنیت در رودخانه‌های مهم و ساخت مسیرهای ارتباطی اصلی‌ترین اهداف آنان بود. آنان خزر، پوست، عسل و موم زنبور عسل را از فنلاندی‌ها و اسلاموها

1. Itil

2. Astrakhan

و اسب‌های پرورشی را از بلغارها می‌خریدند؛ همچنین از سیبری خز به دست می‌آوردند، غلات، گوشت و چرم را از استپ، صنایع دستی، پارچه و کالاهای تجملی را از شرق و بیزانس می‌خریدند. خرید و فروش برده‌گان نیز در بازارهای شهرهای امپراتوری خزر مرسوم بود. خزرها خود تنها به صادرات ماهی و خاویارِ دریای خزر می‌پرداختند. آنان از بازرگانان همه سرزمین‌ها و با هر عقیده‌ای استقبال می‌کردند، و بر کالاهای فروخته شده مالیات ده درصدی اعمال می‌کردند. آنان به مدارا با پیروان مذاهب گوناگون مشهور بودند، اما طبقه حاکم خزرها به آیین یهود گرویده بود. منابع غربی از قرن دهم به این موضوع اشاره می‌کنند که در سرزمین‌های خزرها «مسلمانان مساجد، مسیحیان کلیسا و یهودیان کنیسه‌های مخصوص خود را داشتند». ^(۴) حتی هر گروه دینی دارای قضاتی خاص خود بودند.

ظهور شهرهای اسلامو

در طول دوران حکومت خزرها، شمار اسلاموهای ساکن در جنگل و استپ از هر گروه قومی دیگر در ناحیه بیشتر افزایش یافت، ترکیب آنان با دیگر گروه‌های قومی نیز ادامه می‌یافتد. جمعیت آنان چهار تا پنج میلیون نفر افزایش یافته بود و آنان در ناحیه‌ای با وسعت دو میلیون کیلومتر مربع زندگی می‌کردند. شهرهای نووگورود^۱ و کیف^۲ از عمدۀ شهرهای اسلامو بود. اسلاموها به تدریج به تاجرانی قدرتمند تبدیل شدند و به تجارت خز که بازار خوبی داشت (بعدها مارکو پولو این نوع خز را از بهترین و ارزشمندترین خزهای جهان توصیف کرد) و دیگر محصولات جنگلی می‌پرداختند. مجموعه‌ای از مراکز تجاری مرتبط به هم، که بسیاری از آنان شهرهایی با امکانات بودند، در حاشیه مسیرهای آبی نووگورود، پولوتسک،^۳ اسمولنسک،^۴ چرنیگوف،^۵ کیف و پرسلاؤ^۶ ساخته شده بودند. بسیاری از این شهرها در اطراف دژی مرکزی که با نام کرملین مشهور و از کلبه‌های جنگلی اطراف خود متفاوت بود، ساخته می‌شدند. جان لارنس می‌نویسد:

1. Novgorod

2. Kiev

3. Polotsk

4. Smolensk

5. Chernigov

6. Pereslavl

«تصور منظره یک روز تابستانی چنین بازارهایی که بر فراز تپه‌ای و در اطراف دژی جنگلی قرار گرفته‌اند دشوار نیست. پوشش مردان همچون دهقانان سنتی روسیه است: شلوارهای گشاد ترکی و پیراهن‌هایی از جنس کتان که با سوزن‌دوزی‌های براق زینت یافته است و در زیر آن جامه‌ای بلند به تن داردند. چکمه‌های روسی که تقریباً شناخته شده اما تجملی است پاپوش آنان است. ثروتمندان لباس‌هایی بر تن می‌کنند که با جواهرات، طلا، آب طلا، کهربا، تکه‌های ابریشم زیبای شرقی یا سوزن‌دوزی‌های بیزانسی تزیین یافته است. مردم معمولی پابرهنه در بازار راه می‌روند یا کفش‌هایی به پا دارند که از پوست درخت ساخته شده در حالی که ثروتمندان چکمه‌های بلند روسی و از جنس چرم به پا دارند که برای پیاده‌روی روزانه در بازار به دقت جلا یافته است ... دارند که برای رقص در بازار وجود دارد و مردان روس رقصیدن را آموخته‌اند، آنان در رقص خود به صورت متناوب روی ران‌ها یشان می‌نشینند و این ویژگی را تاکنون در رقص‌های خود حفظ کرده‌اند.»^(۵)

امنیت وجود هر بخشی از مسیر طولانی تجاری که نووگورود و کیف



را به شرق متصل می‌کرد به امنیت و وجود بخش دیگر وابسته بود. اما مسیرهای منفرد به دلیل حملات گروههای بی‌شمار رقیب آسیب‌پذیر بودند. بنابراین هنگامی که حکومت خزرها به دلیل حملات اعراب در قرن هشتم تضعیف شد، مسیرهای تجاری نیز دچار بی‌نظمی و هرج و مرج شدند.

نفوذ وارانگیان

اهمی اسکاندیناوی که نورمن یا وایکینگ نامیده می‌شدند، با آغاز قرن ششم حمله به ساحل جنوب شرقی دریای بالتیک را آغاز کردند. تمایل وایکینگ‌ها برای ماجراجویی و کسب غنایم موجب شد تا آنان تقریباً همه مسیرها را کاوش کنند، از جمله مسیر جنوب شرقی به داخل سرزمین اسلاموها. آنان برای به دست آوردن کالاهای شرقی در جستجوی مسیرهای تازه بودند، چراکه سلطه اعراب بر سرزمین‌های جنوب دریای مدیترانه و اسپانیا در قرن‌های هفتم و هشتم تجارت در مسیرهای دریایی را با مشکل رویرو ساخته بود.

شبکه‌ای گسترده از مسیرهای آبی در اروپای شرقی به دریای سیاه و دریای خزر و شهرهای تجاری واقع در سواحل این دریاها منتهی می‌شد. اما هر یک از این مسیرها در دوره‌های گوناگون مسدود می‌شد یا از سوی قبایل رقیب، از جمله مجارهای ساکن در دهانه رودخانه دنیپر که به دریای سیاه منتهی می‌شود، پچنگ‌های ساکن در دهانه رودخانه دن که به دریای آзов می‌ریزد و بلغارهای ساکن در ساحل رودخانه ولگا شدیداً حفاظت می‌شد.

اما وایکینگ‌ها (یا آن طور که اسلاموها می‌نامیدند شان «وارانگیان») باز هم بر سفر به سوی جنوب با کشتی‌های بزرگ خود (که قادر به حرکت در آب‌های کم عمق بودند) پافشاری می‌کردند. در سال ۷۳۹ آن‌ها به دریای سیاه رسیدند و از دره رودخانه کوبان و کوهستان‌های قفقاز گذشتند. تجار وارانگیان در خیابان‌های قسطنطینیه، پایتخت امپراتوری بیزانس، و بغداد، و حتی در جنوب و شرق آسیا مشاهده می‌شدند. اندوخته‌های سکه‌های

بیزانسی به اسکاندیناوی‌ها بازمی‌گشت، و گواه ثروت تاجرانی بود که به سرزمین مادری خود بازمی‌گشتند. دیگر گروه‌ها به صورت دائمی در سرزمین‌های اسلام‌نشین ساکن شدند و سرانجام با ساکنان آن ناحیه همگون شدند، و عاقبت نامی مشترک یافتند: «روس» و سرزمینی که آنان به تسخیر خود درآورده بودند روسیه نام گرفت.

محاصره نووگورود

در اواسط قرن نهم، خزرها با کمک امپراتور بیزانس که از سوی وایکینگ / اسلاوهای احساس خطر می‌کرد، بار دیگر قدرت گذشته خود را بازیافتند. در سال ۸۴۰، خزرها مجدداً بر رودخانه‌های دن و دنتس^۱ و سراسر استپ تا رودخانه دنیپر تسلط یافتند. این شکست به شدت بر اقتصاد ناحیه نووگورود تأثیر گذاشت. گرچه ساکنان جنگل‌های متراکم این ناحیه که برای به دست آوردن غلات خود به ناحیه رودخانه اوکا^۲ واقع در جنوب وابسته بودند این ناحیه را از حملات خزرها مصون می‌داشتند. علاوه بر مشکلات موجود در نووگورود، گروه‌های تازه‌ای از نورمن‌ها به حرکت خود به سوی سواحل شمالی روسیه تنها به منظور یافتن مسیرهای تجاری تازه به سوی جنوب روسیه که خزرها مانع دستیابی به این مسیرها می‌شدند، ادامه دادند. این مهاجمان دریایی مستأصل، غارت و باج خواهی از جمعیت اسلاوهای را آغاز کردند.

فشار ناشی از کمبود غذا، شکست معاملات و نبود امنیت منجر به بروز اختشاش در نووگورود شد. در گاهشمار نحسین، منبعی متعلق به قرن دوازدهم که سنت‌های شفاهی و منابع نوشتاری

روریک سرکرده وارانگیان بر ساحل دریای بالتیک قدم می‌گذارد. افسانه‌ها حاکی از آئند که تاجران نووگورود از روریک درخواست کردند برای حکومت بر سرزمین آنها بنازد.



1. Donets

2. Oka

در آن گرد آمده، چنین نوشه شده است: «هیچ عدالتی [در میان ساکنان نووگورود] حاکم نبود، و هر طایفه‌ای علیه طایفه‌ای دیگر قیام می‌کرد؛ بنابراین درگیری در میان آنان پدید می‌آمد؛ و آنان جنگ علیه یکدیگر را آغاز می‌کردند.»^(۶) در این میان رهبری غیر بومی که می‌توانست صلح را برقرار سازد وارد این سرزمین شد.

ورود رهبری دانمارکی تبار به نام روریک اندوه‌های نووگورود را اندکی تسکین داد. او در سال ۸۰۰ در طایفه اسکیولدونگ^۱ در یوتلاند^۲ دانمارک متولد شده بود. پدر او از سوی شارلمانی، پادشاه بزرگ فرانک‌ها به رهبری ایالت فریزلند^۳ استانی در شمال هلند، نائل شده بود. او به دلیل قهرمانی در سفر و کشتیرانی بر رودخانه‌های alb، تایمز و راین شهرت داشت. بر اساس نوشه گاهشمار نخستین، بازارگانان نووگورود روریک را برگزیدند و دعوتنامه‌ای برای او ارسال داشتند: «سرزمین ما وسیع و گسترده است اما نظمی در این سرزمین وجود ندارد؛ به سرزمین ما بیا و بر ما حکومت کن.»^(۷) گرچه این دعوتنامه احتمالاً افسانه‌ای است، اما روریک در آن سرزمین ساکن شد و وابستگان خود را به عنوان بارون برگزید تا در شهرهای نزدیک اقامت گزینند، و سرکردگان طایفه‌های خود مختار را در این نواحی تحت تسلط خود درآورند. دیگر وارانگیان در ارتش روریک در سال ۸۶۰ کیف را از دست خزرها خارج ساختند و او از آن جا حمله‌ای بلندپروازانه به سوی قسطنطینیه را آغاز کرد.

اولگ، نخستین شاهزاده بزرگ کیف

گرچه پس از گذشت چند سال روریک نووگورود را ظاهرًا برای سر و سامان دادن به اوضاع سرزمین مادری خود ترک گفت، خویشاوند او اولگ از سال ۸۸۲ تا ۹۱۲ بر این سرزمین حکمرانی کرد. اولگ پایتخت را از نووگورود به کیف انتقال داد؛ کیف آخرین نقطه محصور در ناحیه جنگلی پیش از ورود رود دنیپر به استپ بی‌کران بود. اولگ بیشتر

1. Skjoldung

2. Jutland

3. Friesland

اولگ در طول تلاش خود به منظور تصرف قسطنطینیه سپر خود را به دروازه این شهر نصب می‌کند. گرچه این حمله به شکست انجامید اما اولگ روایت تجاری میان قسطنطینیه و مملکت روسی کیف را بهبود بخشد.



جمعیت اسلام‌های ساکن در اطراف رود دنیپر را وادار به پرداخت مالیات کرد و توانست سلطه مجارها را از ناحیه سفلای رود دنیپر از میان بردارد. فدراسیون گسترده‌ای که اولگ پدید آورد با عنوان مملکت روسی کیف مشهور شد. این مملکت از دریاچه‌های واقع در شمال نووگورود تا جنوب کیف گسترش داشت.

در طول زمستان اولگ که اکنون به شاهزاده بزرگ کیف مشهور بود و همراهان او در سراسر محدوده رو به رشد تحت تسلط خود، به جمع آوری مالیات پرداختند. مالیات به شکل کالاهای قابل فروش در قسطنطینیه دریافت می‌شد. این کالاهای بیشتر خز، موم زنبور عسل و عسل را شامل می‌شدند. در اوخر بهار، و به محض این که شرایط آب و هوایی مساعد شد، او فرماندهی سپاهیانش را در سفر دشوار و خطرناک جنوب و به سوی دریای سیاه بر عهده گرفت. محموله‌های ارزشمند به همراه برگان، بازگانان و مهاجمان، در قایق‌های بزرگی که هر یک گنجایش حمل چهل تا پنجاه نفر را داشتند جا می‌گرفتند. این ناوگان رودخانه دن را به سوی دریای سیاه و قسطنطینیه و به سوی جنوب درمی‌نوردید. محموله

و قایقهای باری باید از میان امواج سهمگین دریا حرکت می‌کردند و اغلب با حملات غافلگیرانه و هجوم دزدان دریایی یا دیگر قبایل همچون مجارها و پچنگ‌ها روبرو می‌شدند.

گرچه شروتمندان قسطنطینیه خواهان حضور اولگ نبودند، اما او در سال ۹۰۷ کوشید تا این شهر را به تصرف خود درآورد. تقریباً پنجاه سال پیش‌تر ناوگانی از روس‌ها متشكل از دویست قایق پشت دیوارهای قسطنطینیه با شکست روبرو شد، اما این سپاه توانست کاخ‌های مجلل و صومعه‌های خارج از شهر را غارت کند. ناوگان اولگ شامل دو هزار قایق بود، اما زنجیرهای عظیم مانع از ورود این ناوگان به قسطنطینیه شد. بر اساس گاهشمار اولگ «به مهاجمان خود دستور داد تا چرخ‌هایی بسازند و این چرخ‌ها را به کشتی نصب کنند و هنگامی که باد موافق می‌وزید این کشتی‌ها از هم جدا می‌شدند و از قسمت نامحصور به سوی شهر می‌تاختند». ^(۸) گرچه اولگ نتوانست امپراتوری بیزانس را سرنگون کند، اما پیمان تجاری پر سودی با امپراتوران این سرزمین، لئو و الکساندر، امضا کرد. در اوآخر قرن نهم و اواسط قرن یازدهم جانشینان او شش بار به بیزانس حمله کردند که همه این حملات ناکام بود اما با عقد پیمانی تجاری میان کیف و بیزانس به پایان می‌رسید.

پیروزی‌های سویاتسلاو^۱

ایگور پسر روریک یا احتمالاً نوه او، پس از مرگ اولگ از سال ۹۱۳ تا ۹۴۵ بر کیف حکومت کرد. او یکی از شاهزادگان وارانگیان در روسیه بود که از مردم محلی مالیات دریافت می‌کرد. گرچه شاهزادگان حاکم بر دیگر شهرها، با رهبری ایگور با یکدیگر متحد شدند تا به قسطنطینیه حمله کنند، اما او تسلط دائمی بر آن‌ها نداشت. حاکم کیف (دو نسل پس از اولگ)، سویاتسلاو نام داشت (سویاتسلاو نامی اسلامی و نشانگر همگونی وارانگیان با فرهنگ اسلاموهاست). سویاتسلاو (که از سال ۹۶۲

1. Svyatoslav

تا ۹۷۲ حکومت کرد) سرانجام حاکمیت خزرها بر استپ را از میان برداشت و شبکه رودخانه ولگا را از دست بلغارها خارج ساخت و در شبهجزیره بالکان نفوذ یافت؛ به این ترتیب ناحیه‌ای که به او مالیات می‌پرداخت گسترش پیدا کرد. اما دستاوردهای او گذرا بود، چرا که با تضعیف خزرها او سپری را که علیه دشمنی خطرناک‌تر در غرب یعنی پچنگ‌ها داشت، از دست داد و به دست این گروه مهاجم کشته شد. در گاهشمار نخستین آمده است: «این چادرنشینان سر او را از بدنش جدا کردند و از جمجمه او جامی ساختند و آن را با طلا پوشاندند و در آن می‌نوشیدند». ^(۹) سرنوشتی که یادآور سرنوشت اسکیت‌ها در قرن‌های گذشته بود.

گرایش به کلیسای شرق

پس از کشمکشی تقریباً کوتاه برای کسب قدرت، ولادیمیر اول،^۱ فرزند سویاتسلاو، در سال ۹۸۰ قدرت را در مملکت کیف به دست آورد و به مدت ۳۵ سال بر این سرزمین حکمرانی کرد. ولادیمیر اول علاوه بر فتح سرزمین‌ها به مذهب نیز علاقه داشت. او در اوایل دوران حکومتش الحاد پیشینیان را ادامه داد که بر اساس پرستش پرون،^۲ خدای تندر؛ داشبوگ،^۳ خدای خورشید؛ و استریبوگ،^۴ خدای طوفان قرار داشت. اما در اطراف او مذاهب گوناگونی گسترش می‌یافتدند و الحاد رو به زوال بود. موراوی‌ها،^۵ صرب‌ها و بلغارها به کلیسای شرق یا ارتدوکس می‌گرویدند؛ مجارها، کروات‌ها، دانمارکی‌ها و نروژی‌ها مذهب کاتولیک کلیسای روم را می‌پذیرفتند و اسلام در سرزمین‌های واقع در جنوب دریای خزر گسترش می‌یافت. ولادیمیر به دقت گزینه‌های خود را سنجید و آشکارا نه تنها ویرثگی هر مذهب را در نظر می‌گرفت بلکه به فرصت‌هایی برای یافتن متحدان تازه نیز می‌اندیشید.

1. Vladimir I

4. Stribog

2. Perun

5. Moravians

3. Dashbog

گاهشمار نخستین

گاهشمار نخستین که از سوی راهبان کیفی گردآوری شده و از سال ۱۱۱۰ آغاز شده پیشتر به داستان کشور روسیه در آغاز می‌پردازد. این کتاب همچون قصه‌های عامیانه روسی آغاز می‌شود: «این‌ها قصه‌های سال‌های گذشته‌اند...». از هنگامی که سرزمین روسیه شکل گرفت.» گاهشمار شامل زندگینامه قدیسان، افسانه‌های عامیانه و تاریخ جنگ‌ها و نیز دستورالعمل ولادیمیر مونوماخ است که جنبه‌های گوناگون زندگی این رهبر را جاودانه ساخته است.

گاهشمار نخستین در سراسر روسیه سرمشق قرار گرفته است. گاهشمارهای محلی گاهی از واقعه‌ای یکسان چشم‌اندازهای متفاوتی عرضه می‌دارند. متنی که با عنوان گاهشمار راجیویل^۱ مشهور است (چراکه این متن روزگاری به یانسوز راجیویل^۲ شاهزاده لهستانی تعلق داشت) از سوی راهبان در قرن پانزدهم نگارش یافت و به زیبایی با تصاویر آراسته شد. این راهبان روایت ناحیه خودشان یعنی ناحیه ولادیمیر سوزdal را به گاهشمار نخستین افزودند.

گرچه این ادعا وجود دارد که انتخاب مذهب ارتدوکس کلیسای قسطنطینیه از سوی او با دلایل استراتژیک صورت گرفت، اما هنگامی که دو فرستاده او از سفر خود به کلیسای ایاصوفیه در قسطنطینیه بازگشتند او به نحوی مثبت تحت تأثیر توصیف مناسک مذهب بیزانس قرار گرفت: «ما نمی‌دانستیم آیا در بهشت گام برمی‌داریم یا در زمین، چراکه در زمین چنین شکوه و زیبایی وجود ندارد. و ما از توصیف آن باز می‌مانیم.»^(۱) بر اساس گاهشمار نخستین نوکیشی مذهبی ولادیمیر موجب شد تا او شیوه زندگی خود در گذشته را که همراه با فساد و عیاشی بود کنار بگذارد. ساخت نخستین کلیسای جامع در روسیه (کلیسایی واقع در کیف با نام تیت^(۲)) در سال ۹۹۶ پایان یافت، و ولادیمیر یک دهم درآمدهای خود را جهت کمک به ساخت این بنا صرف کرد. شور و شوق ولادیمیر نسبت به مذهب تازه با مقاومت‌هایی از سوی مردم و نیز مقاومت‌هایی در

1. Radziwill

2. Jansuz Radziwill

3. Tith



ولادیمیر (وسط) در سال ۹۸۰ قدرت را در مملکت روسی کیف به دست آورد. او به دلیل گسترش مسیحیت در روسیه با عنوان ولادیمیر مقدس مشهور است.

الفبای سیریلیک^۱

در قرن نهم، دو برادر یونانی به نام سیریل^۲ و متديوس^۳ که به تبلیغ مذهب می‌پرداختند، بخش‌هایی از کتاب مقدس و عبادات مذهبی را به زبان اسلامی جنوبی که امروز با نام اسلامی کلیسايی کهنه مشهور است، ترجمه کردند. از آن جاکه اسلاموها فاقد الفبای خاص خود بودند، این دو برادر با اصلاح حروف الفبای یونانی به منظور نمایش بهتر تلفظ اسلامی الفبای سیریلیک را ابداع کردند.

ایجاد الفبای اسلامی کلیسايی به گسترش باسوسادی پس از گرايش به مسیحیت در سال ۹۸۸ کمک نمود. اما چون مسیحیان روسیه مجبور نبودند برای خواندن کتاب مقدس و عبادات به یادگیری زبان‌های یونانی و لاتین بپردازنند، آنان با میراث اصیل غرب قطع رابطه کردند. الفبای نوین روسی دارای ۳۲ حرف است، این الفبا از الفبایی که تا سال ۱۹۱۷ مورد استفاده بود چهار حرف کمتر دارد.

1. Cyrillic

2. Cyril

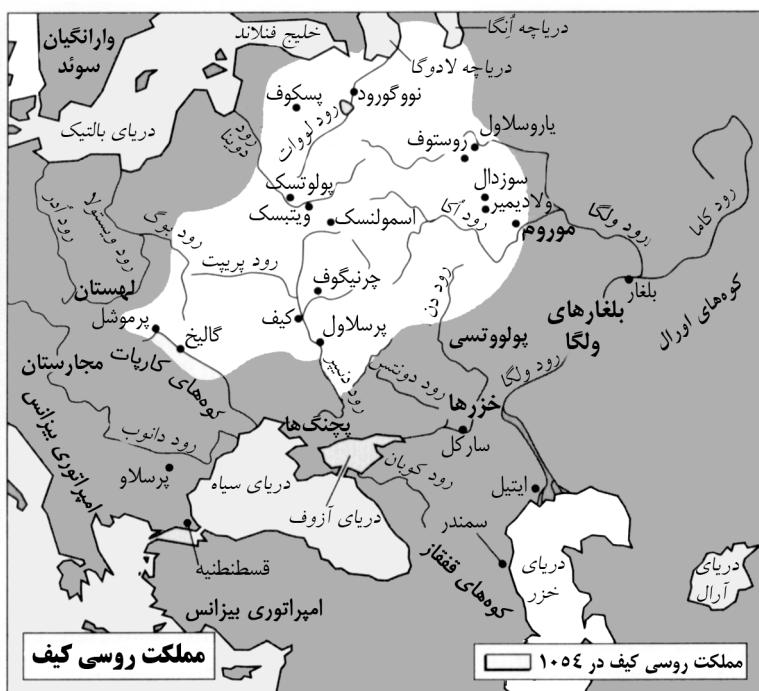
3. Methodius

اروپا رویرو شد. باورها و عادات مربوط به پیش از مسیحیت نسل‌ها تداوم یافت و حتی در قرن بیستم نیز مشاهده می‌شد. با این حال، نفوذ بیزانس به شکل‌گیری و پیشرفت‌هایی در زمینه هنرهای تجسمی، معماری و نهادهای اجتماعی همچون مؤسسه‌های خیریه، مدارس و صومعه‌ها منجر گردید. الفبای سیریلیک که گونه اصلاح یافته الفبای یونانی است و از سوی دو مبلغ مذهبی بیزانسی برای ترجمه کتب مقدس و عبادات کلیسا ابداع شده بود، موجب شد تا تاریخ، ادبیات و قانون مکتوب شکل بگیرد.

شکوفایی کیف

مملکت روسی کیف در دوران شاهزاده یاروسلاو¹ حاکم کیف در سال‌های ۱۰۳۶ تا ۱۰۵۴ دورانی طلایی را پشت سر گذاشت. در این سال‌های مهم، کیف به وسعت پاریس بود و جمعیتی در حدود هشت‌صد هزار نفر را در خود جای می‌داد. در میان صنعتگران این شهر کاشی‌سازان، نقاشان دیوارنگاره‌ها و تمثال‌ها، لعاب‌کاران، جواهرسازان، زرگران، خراطان، سفالگران، کشتی‌سازان، و سنگتراشان ماهر دیده می‌شدند. ساختار جامعه با نظام فتووالی حاکم بر اروپا متفاوت بود، که در آن رعایا یا دهقانان به عنوان مستأجر روی زمین مالکی اشراف‌زاده کار می‌کردند و در ازای کارهای خود مبلغی دریافت می‌داشتند. در روسیه این امکان وجود داشت که با محدودیت‌های اندک، زمین‌های کشاورزی را خریداری کرده، به فروش رساند یا به دیگری منتقل کرد، و رعایا با این که فقیر بودند از این آزادی برخوردار بودند تا محل زندگی خود را تغییر دهند. شاهزاده شورایی از مشاوران را که دوماً خوانده می‌شد در اختیار داشت، اعضای دوما را در ابتدا اعضای گارد نظامی تشکیل می‌دادند اما بعدها اشراف‌زادگان، ثروتمندان و زمین‌داران نیز به عضویت دوما درآمدند. همه افراد آزاد می‌توانستند با به صدا درآوردن زنگ شهرداری مجمع شهر را به تشکیل جلسه فرا خوانند. تصمیم‌های مجمع شهر

1. Yaroslav



می بایست یکسان می بود، هنگامی که بر سر موضوعی توافقی حاصل نمی شد جار و جنجال های خشونت بار امری عادی بود. قدرت در نیروی نظامی شاهزاده و مخالفان او ریشه داشت اما مجمع شهر نیز گاه گاهی علیه شاهزاده دست به شورش می زد.

یاروسلاو با بهره گیری از مجموعه ای از دواج های استراتژیک توانسته بود، میان خانواده خود با خانواده های سلطنتی سوئد، نروژ، فرانسه، لهستان، مجارستان و بیزانس پیوندهایی پیدید آورد. این اقدام موجب شد تا موقعیت روسیه در ارتباط با این کشورها بهبود یابد. مملکت روسی کیف به هنگام مرگ یاروسلاو فدراسیون وسیعی بود، که قدرت خود را از کوه های آرال تا سواحل دریای خزر و سیاه و تا خلیج فنلاند گسترده بود. با وجود این دستاوردها، یاروسلاو در تأمین امنیت کشور نوپای خود و ایجاد سلسله ای برای تحقق اتحاد ناموفق بود. در عوض او قلمرو خود را